



دانشگاه پیام نور
مرکز اردکان

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته

زبان و ادبیات فارسی

گروه علمی

زبان و ادبیات فارسی

عنوان

مقایسه گلستان سعدی و قابوس نامه عنصرالمعالی

استاد راهنما

دکتر آسیه ذبیح نیا عمران

استاد مشاور

دکتر یدالله شکیبافر

نخارش

یونس ریگی

بهار: ۹۰

تقدیم

تقدیم به پدر بزرگوارم که رنگ آسایش را در زندگی ندید و در تمام حیات پرنج خود به کار، تلاش و کوشش مشغول بود تا فرزندانش طعم شیرین لقمه حلال را بچشند. سرانجام در ۲۶ خرداد ۱۳۸۴ به لقای ایزدی پیوستند. خدایش رحمت کناد و با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش همنشین گرداناد.

تشکر و قدردانی

از استادان بزرگوار؛ خانم دکتر آسیه ذبیح‌نیا عمران و جناب آقای دکتر یدالله شکیبافر صمیمانه تشکر می‌کنم که نه تنها در این پروژه کمک شایانی به بنده کرده‌اند، بلکه در تمام دورهٔ تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، مرا مورد لطف و مرحمت خویش قرار دادند. نیز مراتب قدردانی خویش را از استاد ارجمند، جناب آقای بهروز ریگی‌کوتاه که در این پروژه کمک زیادی به من کردند، ابراز می‌دارم. هم‌چنین دستان پر مهر مادرم را که هر نیمه شب به درگاه خداوند برای خوشبختی‌ام دعا می‌کند، می‌بوسم و بر دیده می‌نهم. در ضمن از همسر فداکارم که با تحمل مشکلات فراوان راه رسیدن به موفقیت را برایم هموار کرد، سپاسگزارم.

چکیده

امیر عنصرالمعالی در قرن چهارم و پنجم هجری، کتابی در چهل و چهار باب برای پسر خود گیلان‌شاه نوشته است، تا تجربیات خود را در مسائل گوناگون زندگی به او بیاموزد. این کتاب نثری ساده دارد و حکایاتی که مؤلف آورده است، همه خواندنی است و آن را می‌توان نموداری از تمدن اسلامی پیش از مغول به شمار آورد. سعدی از درخشان‌ترین چهره‌های ادب ایرانی در قرن هفتم است. گلستان حاصل تجربیات، سفرها و مطالعات او است. طرز سخن او بر استواری لفظ و روانی معنی مبتنی است.

در این پایان‌نامه سعی شده است، بین گلستان سعدی و قابوس‌نامه عنصرالمعالی، مقایسه‌ای انجام گیرد و این دو اثر از لحاظ موضوع، محتوا، سبک، نگارش و... مورد بررسی قرار گیرند و عمده شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو اثر ذکر گردد. ضرورت این مقایسه به این جهت است که خوانندگان با علوم و معارف این دو کتاب و هم‌چنین با افکار و اندیشه‌های دو مؤلف بیشتر آشنا گردند و نیز به این پرسش که آیا سعدی در تصنیف گلستان به قابوس‌نامه نظر داشته است یا خیر؟ و اگر داشته تا چه حد از علوم و معارف آن استفاده کرده است؟ پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی

گلستان، قابوس‌نامه، سعدی، عنصرالمعالی، مضامین مشترک.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
۱- فصل اول: کلیات.....	۴
۱-۱ بیان مسأله.....	۵
۱-۲ سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....	۵
۱-۳ فرضیه ها.....	۵
۱-۴ هدفها.....	۶
۱-۵ روش انجام تحقیق.....	۶
۱-۶ نوع تحقیق.....	۶
۱-۷ روش و ابزار گردآوری اطلاعات.....	۶
۱-۸ مراحل انجام تحقیق.....	۶
۲- فصل دوم: مختصری از زندگی، احوال و آثار سعدی و عنصر المعالی.....	۷
۲-۱: سعدی.....	۸
۲-۲: آثار سعدی.....	۹
۲-۳: گلستان.....	۱۰
۲-۴: سبک گلستان.....	۱۱
۲-۵: مختصات سبکی گلستان.....	۱۱
۲-۶: جایگاه ادبی گلستان.....	۱۲
۲-۷: عنصر المعالی:.....	۱۳

- ۸-۲: قابوس نامه..... ۱۴
- ۹-۲: سبک قابوس نامه..... ۱۴
- ۱۰-۲: مختصات سبکی قابوس نامه..... ۱۵
- ۱۱-۲: جابگاه ادبی قابوس نامه..... ۱۶
- ۳- فصل سوم: مضامین مشترک گلستان و قابوس نامه..... ۱۸
- ۱-۳: درشناخت خداوند و سپاس او..... ۱۹
- ۲-۳: در آداب سخن گفتن..... ۱۹
- ۳-۳: در عشق و رزیدن..... ۲۱
- ۴-۳: در پیری و جوانی..... ۲۱
- ۵-۳: در آداب اجتماعی و معاشرت..... ۲۲
- ۶-۳: در دخل و خرج..... ۲۵
- ۷-۳: در روزی مقدر..... ۲۵
- ۸-۳: در صبر و مدارا..... ۲۶
- ۹-۳: در تلاش و کوشش..... ۲۶
- ۱۰-۳: در قناعت..... ۲۷
- ۱۱-۳: در دوستی و دشمنی..... ۲۷
- ۱۲-۳: در پادشاهی و سیاست و دادگری..... ۲۹
- ۱۳-۳: در اخلاق ندیمان شاهان..... ۳۰
- ۱۴-۳: در عالم تربیت..... ۳۱

۳۲	۱۵-۳: در هنر و برتری آن.....
۳۳	فصل چهارم: تفاوت های گلستان و قابوس نامه.....
۳۴	۱-۴: تفکر سعدی و عنصرالمعالی.....
۳۴	۲-۴: حکایات و سفرهای سعدی و عنصرالمعالی.....
۳۵	۳-۴: سخن سعدی و عنصرالمعالی.....
۳۶	۴-۴: عشق در گلستان و قابوس نامه.....
۳۸	۵-۴: تکرار در گلستان و قابوس نامه.....
۴۰	۶-۴: روانشناسی گلستان و قابوس نامه.....
۴۴	۷-۴: جایگاه زن در گلستان قابوس نامه.....
۴۷	فصل پنجم پیام گلستان و قابوس نامه.....
۴۸	پیشگفتار.....
۵۰	۱-۵: آزادی.....
۵۲	۲-۵: سخاوت.....
۵۴	۳-۵: تواضع.....
۵۷	۴-۵: کسب علم و هنر و دانش.....
۵۹	۵-۵: علم و عمل.....
۶۲	فصل ششم: نگاه گلستان و قابوس نامه به دنیا و پادشاهی آن.....
۶۳	۱-۶: گلستان.....
۶۴	۲-۶: قابوس نامه.....

فصل هفتم: مضامین مشترک گلستان و مرزبان نامه.....	۶۶
فصل هشتم: ضرب المثل های گلستان و قابوس نامه.....	۷۰
۸-۱ گلستان.....	۷۱
۸-۲ قابوس نامه.....	۸۰
نتیجه گیری.....	۸۸
منابع و مآخذ.....	۹۰
چکیده انگلیسی.....	۹۱
صفحهٔ عنوان به انگلیسی.....	۹۲

مقدمه

ادبیات فارسی یکی از غنی‌ترین و پربرترین ادبیات‌های جهان است. وجود شاعران و نویسندگان توانایی همانند فردوسی، نظامی، خاقانی، سنایی، سعدی، حافظ و ... شهرت بی‌نظیری به زبان فارسی داده است. هر یک از این پیامبران شعر و ادب، یکی پس از دیگری آمدند و زبان فارسی را به تکامل رساندند. هر کدام در یک زمینه طبع‌آزمایی کردند و آثار گران‌بهایی از خود به یادگار گذاشتند، بزرگانی همانند عنصرالعمالی و سعدی در زمینهٔ پند و موعظه، حق کلام را ادا کردند و خوانندگان را به راه راست رهنمون ساختند. عنصرالمعالی پسرش را موعظه می‌کند و راه سعادت و نیک‌بختی را به او می‌آموزد، اما نصایح او آنقدر مفید است که بعد از آن، سال‌های سال ماندگار می‌شود و در مدارس و مکاتب، مورد تدریس قرار می‌گیرد. حاصل تلاش‌ها و تجربیات سعدی، گلستانی است که درختان پربارش - نه در یک فصل سال بلکه - در چهار فصل، ثمر می‌دهند و از هفتصد سال پیش تاکنون در اختیار جهانیان قرار دارد و بعد از این هم:

بماند سال‌ها این نظم و ترتیب ز ما هر ذره خاک افتاده جای (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۶)

بسیاری از نویسندگان، نگارش گلستان را تحوّل عظیم و در واقع انقلابی بی‌نظیر، در زبان و ادبیات فارسی می‌دانند و آن را مهم‌ترین عامل پیشرفت ادبیات فارسی، خصوصاً نثر فارسی در طی قرن‌های گذشته می‌شناسند. دکتر اسماعیل حاکمی در مقدمهٔ بهارستان جامی می‌گوید: «جریان تازهٔ مهمی که از قرن هفتم در نثر مصنوع فارسی پدید آمد و بعد از آن کم و بیش تا عهد قائم‌مقام فراهانی ادامه یافت، نگارش گلستان است به دست مشرف‌الدین مصلح، سعدی شیرازی (متوفی به سال ۹۹۱ یا ۶۹۴ هجری). مقبولیت کتاب گلستان در زبان فارسی، مایهٔ آن شد که بعد از قرن هفتم، اولاً در شمار کتاب درسی مبتدیان و فارسی‌خوانان درآید و ثانیاً چند بار مورد تقلید صاحب‌ذوقان قرار گیرد و از این راه، کتاب‌هایی از قبیل: بهارستان جامی، خارستان مجدالدین خوافی و پریشان قآنی به وجود آید». (جامی، ۱۳۸۷: ۷).

شهرت سعدی بیشتر در گرو گلستان است. گلستان هم نویسنده‌اش را به خوبی مشهور ساخت و هم ایران و ایرانی را - بیش از دیگر کتاب‌ها - به جهانیان معرفی کرد «شاید با کمی تسامح بتوان گلستان را مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر سعدی، در معرفی او به ایرانیان و جهانیان دانست. تدوین بیش از پنجاه کتاب به تقلید از گلستان و حضور نزدیک به ۴۰۰ ضرب‌المثل رایج در فرهنگ شفاهی و

زندگی ایرانی براساس گلستان، تنها نمونه‌ای از این تأثیر است. علاوه بر این گلستان نخستین کتاب فارسی است که در سال ۱۶۳۴م توسط آندره ری‌یر فرانسوی ترجمه شد». (کمالی سروستانی، ۱۳۸۸: ۵)

سعدی در ادب فارسی، جایگاه والایی را به خود اختصاص داده است و می‌توان گفت از دید عموم مردم برتر و بالاتر از دیگر شعرا و نویسندگان قرار دارد، به طوری که او را به عنوان اسوه و معیار فصاحت و بلاغت در زبان فارسی می‌شناسند «سعدی شاعر زندگی و زندگان است و نویسنده رونده و روندگان. عناصر زندگی انسانی و انسان‌ها به وسعت در شعر و نثر او جلوه یافته است؛ یعنی هم ذهنش و هم زبانش از انتزاع دور است. در این سیر، غریب نیست که زبان شعر او به زبان نثر، نزدیک است و زبان نثر او با زبان شعر، همدم. البته، در هر دو، حد و اندازه را نگه می‌دارد، تا جایی که هم در شعر و هم در نثر به معیار فصاحت (روانی) و بلاغت (رسایی) در زبان فارسی تبدیل می‌شود». (کمالی سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

سعدی در زمینه تحصیل علم، مجاهدت‌ها و تلاش‌های بی‌شماری کرده است. از کتب و آثار دانشمندان و بزرگان استفاده کرده است و به قول خودش در اقصای عالم گشته است و از هر خرمنی خوشه‌چینی کرده است:

در اقصای عالم بگشتم بسی به سر بردم ایام با هر کسی
تمتع به هر گوشه‌ای یافتم ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۹۲)

از تحصیل در مدرسه نظامیه بغداد، تا مسافرت‌های بی‌شمارش، همه در راه کسب علم بوده است و در نهایت، کوله‌باری از تجربه کسب کرده و در اختیار خوانندگان قرار داده است. مطمئناً چنین شخصی کتب دانشمندان زیادی را مطالعه کرده است و از علوم و دانسته‌های گذشتگان استفاده لازم را برده است. بسیاری از روایات و ضرب‌المثل‌هایی را که در بین عموم رواج داشتند، شاخ و برگ داده و به بهترین صورت بیان کرده است «سعدی شاعر خلاق و آفرینش‌گری است. در این تردیدی نیست، اما این گونه هم نبوده است که هر چه گفته و نوشته، حاصل اندیشه‌ها و دریافت‌های خودش باشد؛ چه مضمون بسیاری از مطالب او را می‌توان در آثار پیشینیان جست». (بزدان‌پرست، ۱۳۸۹: ۹۹)

اما از «محقق تا مقلد فرق هاست» سعدی مقلد نیست، بلکه محقق بزرگی است. هر گاه از مضمون دیگران استفاده کرده است، تقلید صرف نبوده، بلکه همان مطلب را شاخ و برگ داده و به بهترین صورت بیان نموده است. وی بعد از سفرهای دور و دراز در اطراف عالم، کتاب گلستان را تصنیف کرد و این نشانگر پختگی کامل اوست.

از آثار پیشینیان استفاده کرد، ولی گلستان او زیباتر از آثار آنان شد. بعد از وی کسانی آمدند و با پیروی از سبک گلستان آثاری تصنیف کردند که هرگز به پای گلستان نرسید؛ کتاب‌هایی مانند بهارستان جامی، خارستان مجدالدین خوافی و پریشان قآنی بعد از سعدی و به سبک گلستان تصنیف شدند که باز هم باید گفت، هرگز به پای گلستان نمی‌رسند. جامی در مقدمه بهارستان به برتری گلستان اعتراف می‌کند:

خاک و خاشاک او عبیر سرشت	نه گلستان که روضه‌ای ز بهشت
فیض‌ده قصه‌هایش کوثرها	باب‌هایش بهشت را درها
اشک حوران نازپرورده	نکته‌هایش نهفته در پرده
از نم لطف او تحتها الانهار (جامی، ۱۳۸۷: ۲۶)	دلکش اشعار از بلند اشجار

خواجه الطاف حسین حالی، یکی از ادیبان هندوستان در کتابی به نام «حیات سعدی» گلستان را با خارستان مجدالدین خوافی، پریشان قآنی و بهارستان جامی، مقایسه کرده است. حالی می‌گوید: «مقایسه این کتاب‌ها با گلستان؛ مثل از بین رفتن نور شمع و ماه در برابر نور خورشید است». (حالی، ۱۹۷۰: ۹۳) قابوس‌نامه عنصرالمعالی یکی از کتاب‌هایی است که می‌توان گفت، سعدی در نگاشتن گلستان، به آن نظر داشته است و از علوم و معارف آن بهره کافی برده است. این پایان‌نامه به بررسی این مسئله می‌پردازد. ماحصل پژوهش در هشت فصل ارائه گردیده است. فصل اول کلیات را شامل می‌شود. فصل دوم به معرفی عنصرالمعالی و سعدی می‌پردازد. در فصل سوم مضامین مشترک گلستان و قابوس‌نامه بیان شده است. فصل چهارم به تفاوت‌های میان این دو اثر می‌پردازد. فصل پنجم به پیام این دو کتاب اختصاص یافته است. فصل ششم به دیدگاه قابوس‌نامه و گلستان به دنیا و پادشاهی آن اشاره دارد. فصل هفتم به بیان ضرب‌المثل‌های این دو کتاب می‌پردازد. در فصل هشتم، مرزبان‌نامه - که در عصر سعدی به منصه ظهور آمد - مورد بررسی قرار می‌گیرد و مشترکات آن با گلستان بیان می‌شود و در پایان، نتیجه پژوهش آمده است.

این پایان‌نامه به شیوه کتابخانه‌ای نوشته شده و یافته‌های پژوهش به شکل توصیفی و تحلیلی ارائه شده‌اند.

فصل اوّل

کلیات

۱-۱ بیان مسأله:

در ادبیات فارسی، کتاب‌های تعلیمی زیادی وجود دارد که می‌توان گفت گل سرسبد آنها گلستان سعدی است. قابوس‌نامه نیز یکی از آثار برجسته ادبیات کهن ما می‌باشد. در مورد این کتاب‌ها تحقیقات زیادی توسط محققان داخل و خارج کشور، انجام شده است. البته علوم و معارف این آثار تا حدی زیاد است که هم‌چنان نیاز به تحقیق و بررسی احساس می‌شود. مهم‌تر اینکه در زمینه مقایسه این دو اثر تاکنون کار در خور توجهی انجام نشده است. در صورتی که با این کار می‌شود بخش عظیمی از دانش‌های آن‌ها را آشکار ساخت. لذا این پژوهش قصد دارد، با مقایسه این دو اثر، خدمت ناچیزی به جامعه ادبیات فارسی کرده باشد

۱-۲ سابقه و ضرورت انجام تحقیق :

تاکنون در زمینه مقایسه گلستان و قابوس‌نامه، کار در خور توجهی انجام نشده است که بتواند پاسخگوی علاقه‌مندان باشد. لذا این پژوهش قصد دارد با انجام این کار خدمتی به جامعه ادبیات کرده باشد

۱-۳ فرضیه‌ها:

۱- سعدی و عنصرالمعالی دیدگاه مشابهی در مورد پادشاهان، برقراری عدالت، اصول کشورداری و... دارند

۲- در کل دیدگاه‌های سعدی و عنصرالمعالی مشابه و نزدیک به هم می‌باشد و تنها در مواردی اندک به چشم می‌خورد که نظرات متفاوتی را بیان می‌کنند
در راستای رسیدن به این هدف سؤالات اصلی عبارتند از:

۱- سعدی در نوشتن گلستان تا چه حد به آثار پیشینیان، خصوصاً قابوس‌نامه، نظر داشته است؟

۲- نظر سعدی و عنصرالمعالی در مورد پادشاهان، رعیت و جایگاه آن، اصول کشورداری و برقراری عدالت چیست؟

۳- نصایح سعدی و عنصرالمعالی در این دو کتاب چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟

۴- سعدی و عنصرالمعالی، جهان پیرامون خود را چگونه می‌نگرند؟

۴-۱ هدف‌ها :

۱- بررسی و تحلیل افکار و اندیشه‌های سعدی و عنصرالمعالی.

۲- معرفی دیدگاه‌های دو مؤلف.

۳- جایگاه ادبی این دو کتاب.

۴- تشابهات و تفاوت‌های این دو اثر.

۵- روش انجام تحقیق: کتابخانه‌ای

۶-۱ نوع تحقیق: بنیادی

۷-۱ روش و ابزار گرد آوری اطلاعات : کتابخانه‌ای، فیش‌برداری- کتاب و نشریات

۸-۱ مراحل انجام تحقیق: سه ماه اول را به کتابخانه‌ای و فیش‌برداری پرداختم؛ سپس فیش‌ها را

دسته‌بندی و مرتب نمودم؛ بعد از آن مطالب را به صورت کلی مرتب کردم و سپس به تصحیح و

ویرایش آن‌ها پرداختم.

فصل دوّم

مختصری از زندگی، احوال و

آثار

سعدی و عنصرالمعالی

۱-۲ سعدی

شیخ ابوعبدالله، مشرف‌الدین مصلح شیرازی، شاعر پرآوازه ایرانی و یکی از ستارگان درخشان آسمان شعر و ادب دنیا است. در مورد تولد و وفات و همچنین در مورد نام، کنیه و لقب او اختلاف است. اما بنا بر قول مشهور، نام او مصلح‌الدین، کنیه‌اش ابوعبدالله، لقبش مشرف - که گفته می‌شود اسم پدرش هم مشرف بوده است - و تخلص او سعدی بود. یان ریپکا تولد او را بین سال‌های ۶۰۰ تا ۶۰۵ هجری می‌داند: «سعدی شاعر پر آوازه ایرانی، بنابر قول مشهور، بین سالهای ۶۰۰ تا ۶۰۵ هجری در شیراز به دنیا آمد» (ریپکا ۱۳۸۲/۲: ۴۵۱) اگر این بیت گلستان را که می‌گوید:

ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روزه دریایی (سعدی، ۱۳۸۲: ۷)

مستند بگیریم و بگوئیم سعدی در هنگام سرودن گلستان پنجاه سال داشته است، پس تاریخ ولادت او ۶۰۶ هجری می‌شود؛ زیرا گلستان در سال ۶۵۶ سروده شده است.

در آن مدت که ما را وقت خوش بود ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود (همان: ۱۷)

ادوارد رهاتسک می‌گوید: «ظاهراً شواهد قابل قبول تأیید می‌کند که سعدی حدود ۱۲۰۰ میلادی به دنیا آمده و دست کم اندکی پس از ۱۲۹۰ در گذشته است. اینکه مدت زمان درازی، تأکید بر این بود که تا ۱۰۰ سالگی یا ۱۱۰ سالگی زیسته، نامحتمل می‌نماید». (رهاتسک، ۱۳۸۳: ۴۸)

مؤرخان و تذکره‌نویسان، زندگی او را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: ۱- دوره جوانی و تحصیلات ۲- دوره سیر و سیاحت ۳- دوره پیری و حرمت‌داری. تحصیلات ابتدایی را در شیراز گذراند و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه بغداد مشغول به ادامه تحصیل شد.

در جوانی پدرش را از دست داد، مدت طولانی از عمرش را به سیر و سیاحت پرداخت و تجارب سودمندی را که در این مسافرت‌ها کسب کرد، با تصنیف گلستان در اختیار خواننده قرار داد. در زمان حیاتش، از شهرت جهانی برخوردار بود و نظم و نثر او مورد استقبال معاصرانش قرار گرفت، او خود می‌گوید:

هفت کشور نمی‌کنند امروز بی مقالات سعدی انجمنی (سعدی، ۱۳۶۳: ۶۳۷)

گویا اهل شناخت، به اهمیت کار او پی‌برده بودند و شعر او را نزد یکدیگر تحفه می‌بردند.

سعدیا خوشتر از حدیث تو نیست تحفه روزگار اهل شناخت

آفرین بر زبان شیرینت که این همه شور در جهان انداخت (همان: ۴۲۲)

تاریخ ادبیات ایران، نوشته یان ریپکا، وفات سعدی را ۲۷ ذی‌الحجه ۶۹۱ برابر با ۹ دسامبر ۱۲۹۸ می‌داند. (ریپکا، ۱۳۸۲: ۴۵۲) دکتر محمد خزائلی در شرح گلستان دو قطعه - یکی از زبان عارف بقائنی و دیگری از تاریخ مخبرالواصلین - آورده است که در آنها اشاره به سن و وفات سعدی شده است. بقائنی:

همای پاک روح شیخ سعدی چودر پرواز شد از روی اخلاص
 مه شوال بود و روز جمعه که در دریای رحمت گشت غواص
 یکی پرسید سال فوت گفتم زخاصان بود از آن تاریخ شد خاص (خزائلی، ۱۳۴۲: ۵۵)

مخبرالواصلین:

شیخ سعدی که عارف حق بود رازدان وجود مطلق بود
 یکصد و بیست سال عمرش بود کان زمان رحلت از جهان فرمود
 به شب جمعه پنجم شوال شد به فردوس آن ستوده خصال
 چون زخاصان حق تعالی بود خاص تاریخ او ملک فرمود (همانجا)

خاص به حساب جمل مساوی با ۶۹۱ است.

تاریخ وفات سعدی از نظر ما چندان مهم نیست؛ چون اولاً موضوع تحقیق چیزی دیگر است و ثانیاً: سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نکوئی نبرند (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

۲-۲ آثار سعدی

از سعدی آثار زیردر دست است:

- ۱- بوستان یا سعدی نامه: اولین اثر اوست. سعدی در سال ۶۵۵ سرودن آن را آغاز کرده است.
- ۲- گلستان: در سال ۶۵۶ تصنیف آن را آغاز کرده است.
- ۳- قصاید عربی: حدود هفتصد بیت می‌شود. مشتمل بر موضوعات غنائی، مدح، اندرز و مرثیه
- ۴- قصاید فارسی: در ستایش پروردگار و مدح و اندرز و نصیحت بزرگان و پادشاهان معاصر وی
- ۵- مرثیه‌ها: شامل چند قصیده بلند و چکامه‌ها
- ۶- غزلیات: شامل چهار بخش است: طیبات، بدایع، خواتیم و غزلیات قدیم
- ۷- ملمعات و مثلثات و ترجیعات
- ۸- مجالس پنج گانه: به نثر، که در بردارنده خطابه‌ها و سخنرانی‌های وی است.
- ۹- نصیحت‌الملوک: در پند و اخلاق
- ۱۰- صاحبیه: مجموعه چند قطعه فارسی و عربی است.

مجموعه همه آثار او «کلیات سعدی» نامیده می‌شود که ابتدا توسط خودش و بعد، چند سال پس از وفاتش توسط شخصی به نام ابوبکر بیستون جمع‌آوری گردیده است.

۳-۲ گلستان

شاهکار هنری و نویسندگی سعدی، گلستان است. شهرت او بیشتر در گرو گلستان و بعد بوستان است. گلستانی که به حق، باد خزان را بر ورق او دست تپاول نباشد. گلستانی که همیشه بهار است و هیچ پائیزی در او اثر نخواهد کرد. گلستانی که همیشه خوش باشد و باعث زدودن غم و اندوه انسان می‌شود. رنج و اندوه افسرده‌خاطران را از بین می‌برد و حکیمان را قدرت سخنگویی می‌بخشد. شادابی جوانان را بر می‌انگیزد و متانت پیران را می‌افزاید. اوج سخندانی سعدی در گلستان است. جایی که تمام اقشار جامعه اعم از شاه و وزیر، رعیت و سلطان، پیر و جوان، درویش و غنی را مورد خطاب قرار می‌دهد. گاهی با زبانی طنز و شوخی و گاهی به جد و قاطعیت، وظایف همه اقشار جامعه را به آنها یادآوری می‌کند، پادشاهان و حُکام را به رعایت عدل و داد، دعوت می‌نماید و بخشش و انصاف را وظیفه آنان می‌داند و رعیت را نیز به وقت‌شناسی و نظم و رعایت اصول شهروندی فرا می‌خواند. درویشی را دوست دارد و توانگری را نیز ارج می‌نهد. خاموشی را می‌ستاید و سخن گفتن را نکوهش نمی‌کند. از جوانان شرم و متانت و سنگینی توقع دارد، ولی عشق و عاشقی و لذات جوانی را می‌پسندد. صوفیان را دوست دارد؛ ولی تصوّف را به دلق‌پوش و سجاده و تسیح منحصر نمی‌داند. آزادی را می‌ستاید، ولی از هرج و مرج بیزار است. بذل و بخشش پسندیده است، ولی منت حاتم طایی نبردن شرط است. خلاصه اینکه اثری از خود به یادگار می‌گذارد که سالها پس از مرگ او نامش را زنده نگه دارد و هر صاحب‌دلی را به وجد می‌آورد تا بر او رحمت فرستد و در حقش دعایی کند.

بماند سال‌ها این نظم ترتیب زما هر زره خاک افتده جائی

مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت کند در کاری درویشان دعائی (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۶)

بهشتی می‌سازد که از هر هشت بابش رحمت سرازیر است و با خُلد برین و علّین و فردوس برابری می‌کند.

گفته می‌شود در نوشتن گلستان، مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری سرمشق او بوده است. همان طوری که در بخش گذشته اشاره شد، سعدی در سال ۶۵۶ گلستان را تصنیف کرد و آن را به سعدبن ابوبکر زنگی تقدیم نمود.

۴-۲ سبک گلستان

گلستان به نثر فنی و سبکی کاملاً دلپسندانه و زیبا نوشته شده است. سعدی که دانشمندی پخته و کامل بود و با تمامی آثار گذشتگان، آشنایی کامل داشت، گلستان را با سبکی کاملاً نو که نسبت به تمامی کتب گذشته برتر بود، انشاء کرد. ملک‌الشعراى بهار می‌گوید: «بنابراین شیوه انشای جاحظ را به کار بسته است؛ یعنی مطالب را با یکدیگر جور کرده و زیر را با بم و شیرین را با شور جمع آورده است» (بهار، ۱۳۸۱: ۱۲۶)

محمد خزائلی می‌گوید: «در عهد سامانی و دوران اول غزنوی، نثر و نظم ما به شیوه خراسانی است و از آن پس سبک عراقی بر نظم و نثر ما غالب می‌آید و در گلستان سعدی بهترین دو سبک نثر است و در حقیقت این کتاب، حافظ شیوه خراسانی و عراقی است.» (خزائلی، ۱۳۴۲: ۴۵)

۵-۲ مختصات سبکی گلستان:

۱- حذف فعل به قرینه: «که یار موافق بود و ارادت صادق». (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۰) «گل بوستان را چندان که دانی بقائی و عهد گلستان را وفائی نباشد». (همان: ۱۱)

۲- استعمال ضمیر «او» برای غیر ذی روح:

اگر ژاله هر قطره‌ای دُر شدی چو خرمهره بازار از او پرشدی (سعدی، ۱۳۸۷: ۲۵۵)

۳- استعمال اسم اشاره «این» در مورد اهانت و حقارت به جای ضمیر غایب «او»: «اگر این دانا بودی کار او با نادان بدین جا نرسیدی». (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۵۱)

۴- استعمال «اندر»، «در» و «بر»:

جهان‌ای برادر نماند به کس دل اندر جهان آفرین بند و بس

(همان: ۱۸)

...

بس نامور که به زیر زمین دفن کرده‌اند کز هستی‌اش به روی زمین بر نشان نماند

(همان: ۱۹)

...

دست سلطان دگر کجا بیند چون به سرگین در افتاده ترنج

(همان: ۶۹)

۵- استعمال (را) به عنوان: الف) علامت مفعول مطلق: «سرهنگ‌زاده‌ای را بر در سرای اغلمش دیدم». (همان: ۲۶)

ب) علامت تخصیص مطلق: «بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد». (همان: ۱۴۹)

ج) علامت اضافه مطلق: «سواران را به گفتن او تهور زیاده گشت». (همان: ۲۱)

- ۶- استعمال پیشوند، «بر» و «باز» قبل از افعال: «پسر دفع آن ندانست. به هم برآمد». (همان: ۵۷)
- ۷- استعمال «همی»: «درویش را مجال انتقام نبود، آن سنگ با خود نگاه همی داشت». (همان: ۴۹)
- ۸- استعمال کلماتی مانند «بخفتی»: «اگر نیم نان بخردی و بخفتی از آن فاضلتر بودی». (همان: ۸۷)
- ۹- رعایت ادب و نزاکت
- ۱۰- ایجاز
- ۱۱- رعایت وزن و آهنگ کلمات
- ۱۲- مراعات تناسب نثر و نظم
- ۱۳- مراعات حال خواننده
- ۱۴- ترتیب و تناسب

۶-۲ جایگاه ادبی گلستان

گلستان سعدی را از هر جنبه‌ای بررسی کنیم، یکی از بارزترین و برجسته‌ترین آثار ادبیات فارسی - بلکه ادبیات جهان - است و به قول استاد محمد خزائلی «آنچه خوبان همه دارند گلستان تنها دارد». (خزائلی، ۱۳۶۳: ۶) در جای دیگر می‌فرماید: «خزانۀ گوهرهای ادب ایران است». (همان: ۱۱)

شیخ اجل، کنایات، تشبیهات، کلام فصیح، ایجاز، اطناب و سایر آرایه‌های ادبی را با مهارت خاص خودش در نظم و نثر به کار می‌برد. نظم او از نثر جدا نیست. به گونه‌ای که در بعضی مواقع تشخیص اینکه سخن او منظوم است یا منثور، دشوار است.

این اثر گران‌بها علاوه بر اینکه درس زندگی و اخلاق می‌دهد، شیوۀ سخنوری را تعلیم می‌دهد. جهان را با دیدی ادبی می‌نگرد و کلام را آن‌قدر شیوا بیان می‌کند که هر خواننده‌ای به چیره دستی او در وادی ادبیات، اعتراف می‌کند. پیش پا افتاده‌ترین مسائل را که همه می‌بینند، او با دیدی ادبی می‌نگرد و با زبانی ادبی بیان می‌کند به گونه‌ای که زیبایی خاصی به کلام او بخشیده است. «بارزترین اثر حیاتی؛ یعنی تنفس آدمی را امعان نظر قرار می‌دهد و قصور آدمی را از ادای شکر آن به ثبوت می‌رساند و درختان خلعت‌پوش و اطفال شاخ را با کلاه شکوفه می‌بیند و به نخل باسق در تخمۀ خرمایی و شهد فایق در عصارۀ نالی می‌نگرد. آنگاه از جهان وسیع طبیعت به عالم انسانیت باز می‌گردد و با دیدی انتقادی به نقایص بشری؛ از قبیل غفلت و بی‌خبری نظر می‌افکند» (همان: ۵)